

فقه / رضاء ۱۴۳۹/۴/۲۹ - ۱۰/۲۷/۱۳۹۶ - ۶۳

صورت ۴ - سبب رضاع زوجه کبیره باشد ، از روی اختیار باشد ، الزام شرعی بر او نباشد و برای زوجه صغیره مهر تعیین نشده باشد .

بحث در نحوه ضمان یا عدم ضمان زوجه کبیره است :

بنابر قول دوم که تمام المهر واجب می دانند در این صورت قولی به وجوب متعه (آنچه بجای مهر است) می باشد .

مرحوم شهید قدس سره : این اقوال - قول اول وجوب نصف مهر و قول دوم وجوب تمام مهر - قیاس می باشد به موارد منصوص در طلاق و موت که تعدی به غیر آن دلیل ندارد .

بلکه احتمال دارد کل مهر ساقط شود و ممکن است مهر المثل یا نصف آن واجب شود زیرا که عوض بضع است و در جایی که مهر المسمی نباشد مهر المثل واجب می شود زیرا که بضع ممکن نیست بلا عوض باشد .

استاد :

ولکن به نظر می رسد تمام این فرمایشات عناوین استنباطی است .

اما ثبوت نصف مهر که تعدی از مورد منصوص (طلاق و موت) دلیل ندارد .

اما سقوط مهر یا باید مستند شود به بطلان یا به فسخ در صورتی که تدلیس نکرده باشد در مانحن فیه فسخ نمی باشد زیرا که فسخ در عیوب جاری است بنابر این در اینجا بطلان می باشد حال اگر زوجه کبیره باشد و دخول شده باشد دخول مهر را مستقر می کند اما فرض این است که این زوجه صغیره است و دخول نیز نشده است که مقتضای قاعده سقوط مهر است و وجهی برای ثبوت مهر نمی باشد .

این مورد به دو جا قابل الحاق است تا تمام مهر ثابت شود :

مورد ۱ - در جایی که زوج کافر شود که من حین کفر نکاح باطل می شود اما مهر ساقط نمی شود در این مورد بطلان از ابتدا نمی باشد بلکه از زمان کفر به بعد است در حالی که در مانحن فیه کشف می شود که عقد از ابتداء باطل بوده است و این الحاق بلاوجه است .

مورد ۲ - در مبانی تکمله منهاج جلد ۱ صفحه ۱۶۰ مسئله ۱۲۶ مطرح شده است :

در جایی است که زن و شوهری عقد کنند و قبل از دخول اختلاف پیدا کنند در این که طلاق داده اند یا خیر که دو شاهد عادل شهادت به طلاق بدهند که طلاق موجب ثبات نصف مهر است بعد از چند روز هر دو شاهد اظهار اشتباه کنند دیگر بینونت حاصل شده و مانند طلاق رجعی نمی باشد زیرا که طلاق قبل از دخول بائن است و اگر بخواهند با هم زندگی کنند باید دوباره عقد بخوانند .

برخی در این مسئله گفته اند که این دو شاهد ضامن نصف مهر می باشند زیرا که موجب نفیوت بضع شده اند .

آقای خوئی قدس سره اشکال کرده اند :

این دو شاهد چیزی از زوج از بین نبرده اند که ضامن باشند و نفیوت بضع موجب ضمان نیست بر خلاف مشهور که ادعا کرده اند نصف مهر را ضامن می باشد .

صورت ۵ - سبب رضاع زوجه کبیره باشد ، از روی اختیار باشد ، الزام شرعی داشته باشد و برای زوجه صغیره مهر المسمی تعیین شده باشد .

صورت ۶ - سبب رضاع زوجه کبیره باشد ، از روی اختیار باشد ، الزام شرعی داشته باشد و برای زوجه صغیره مهر تعیین نشده باشد .

و در این دو صورت مرضعه کار صحیح انجام داده است و ضامن چیزی نیست زیرا که به الزام شرعی خود عمل کرده است .

شیخ طوسی رحمة الله علیه در جلد ۵ صفحه ۲۹۵ تصریح به این حکم نموده است .

وقال الشيخ في الخلاف : لا تضمن المرضعة مطلقا ، سواء قصدت الفسخ أم لم تقصد ، لأن منفعة البضع لا تضمن بالنفويوت ، بدليل ما لو قتلت الزوجة نفسها ، أو قتلها قاتل ، أو ارتدت ، أو أرضعت من ينفسخ نكاحها بإرضاعه ، فإنها لا تغرم للزوج شيئا .

وبالجملة : فالبضع ليس كالمال مطلقا . وإلحاقه به في بعض المواضع يوجب إلحاقه به مطلقا . ومما يخبره عن الإلحاق بالمال جواز تفويض البضع ، وعدم لزوم شيء على تقدير عدم الطلاق ، والمال ليس كذلك .

البته در مرحوم شیخ در خلاف برای تمام مواردی که مرضعه اختیاری شیر دهد ، مرضعه را ضامن نمی داند زیرا که با تفویض بضع ضمان آور نمی باشد و از اینرو می باشد که در مورد قتل زوجه یا خودکشی او یا ارتداد زوجه و یا تحریم زوجه به سبب رضاع غرامتی جهت تفویض بضع به زوج پرداخت نمی شود .

صورت ۹ - زوجه کبیره و صغیره مشترکا سبب رضاع باشند و برای زوجه صغیره مهر المسمی تعیین شده باشد .

صورت ۱۰ - زوجه کبیره و صغیره مشترکا سبب رضاع باشند و برای زوجه صغیره مهر تعیین نشده باشد . در این دو صورت حکم مباشر مطلق نمی باشد و اگر زوجه کبیره ضامن باشد نصف مقداری است که بر عهده زوج است مثلا اگر حکم به نصف مهر برای زوجه صغیره شود زوجه کبیره ربع مهر را ضامن است .

ظاهر اصحاب این است که ظاهر تمکین زوجه کبیره در رضاع زوجه صغیره را به مباشرت حمل کرده اند . همچنان که مرحوم علامه در تذکره فرموده است : تمکین به منزله مباشرت است و به صور سببیت خصوص کبیره ملحق می باشد و به بیان دیگر قصد صغیره اعتبار ندارد و فعل مستند به کبیره می شود .

مرحوم شهید می فرماید : ضمان نصف مهر اوجه است از ضمان کل مهر .

اما فتوی نمی دهند .

استاد :

در صورتی که بیان شد ثبوت ضمان دلیل می خواهد .

آقای سیستانی حفظه الله در منهاج الصالحین مسائل رضاع می آورند :

مسألة ۱۴۶ : إذا حصل الرضاع الطارئ المبطل للنكاح ، فإما أن يبطل نكاح المرضعة بارضاعها كما إذا أرضعت الزوجة زوجها الرضيع ، وإما أن يبطل نكاح المرتضعة كما إذا أرضعت الزوجة الكبيرة المدخول بها ضررتها الرضيعة ، وإما أن يبطل نكاح غيرهما كما إذا أرضعت المرأة طفلا لزوج بنتها ، ولا يبعد بقاء استحقاق الزوجة للمهر في الجميع على أشكال في الصورة الأولى فيما إذا كان الارضاع وانفساخ العقد قبل الدخول فلا تترك مراعاة الاحتياط فيها ، وهل تضمن المرضعة ما يغرمه الزوج من المهر قبل الدخول فيما إذا كان ارضاعها مبطلا لنكاح غيرها ؟ قولان ، أقواهما عدم ، والأحوط التصالح .

بنابر این ضمان مهر دلیلی ندارد و نمی توان ثابت کرد .